

آب و آتش و آواز

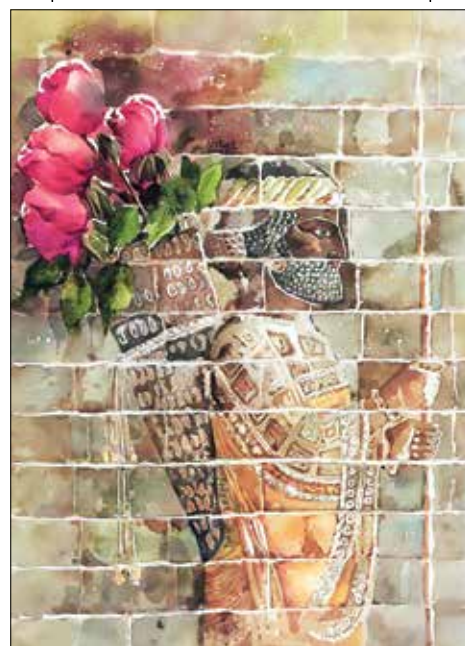
نگاهی به نوروز در دوره‌های مختلف تاریخی در گستره جهان

رادمان رسولی پژوهشگر

آیین نوروز یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های نفوذ فرهنگ ایرانی در سرزمین‌های دیگر است. این آیین از عناصر پرگسترش و پرونق فرهنگ ایرانی است که هنوز در کشورهای متعددی زنده است و پاس داشته می‌شود. این سخن البته نیازی به اثبات ندارد و کافی است گفته شود که در سال ۲۰۱۶ روز بین‌المللی نوروز با همکاری ۱۲ کشور در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو به ثبت رسید. این کشورها عبارت‌اند از: ایران، آذربایجان، ازبکستان، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ترکیه، عراق، قرقیزستان، قزاقستان و هند. البته کشورهایی که نوروز در آنها جشن گرفته می‌شود بیش از اینهاست. امروزه نوروز در سین کیانگ چین، مغولستان، بخش‌های کردنشین سوریه، گرجستان، ارمنستان، بعضی جمهوری‌های فدراسیون روسیه (داغستان، باشقیرستان و تاتارستان)، آلبانی و مقدونیه نیز جشن گرفته می‌شود. گستردگی جشن نوروز نشان‌دهنده این است که این آیین دیگر محدود به یک ملت و کشور خاص نیست. تاریخ نوروز هم نمایانگر این است که نوروز منحصر به ایران و ایرانیان نبوده است. بعضی از جشن‌ها و آیین‌های پیش از اسلام به دلیل اختلاف با این دین یا مخالفت مسلمانان دیگر امتداد نیافتند، اما نوروز، مهرگان و سده از جشن‌ها و سنت‌هایی بودند که ادامه یافتند و حتی

بر صورت خود نقاب زده بودند، برگزار می‌کردند. نوروز البته منحصر به دربار نبود. در بغداد مردم هم نوروز را جشن می‌گرفتند. مردم کوی و برزن و بر بلندی‌ها، آتش می‌افروختند و با تکه‌های پنبه و بخوردان‌های گلی خانه‌های خود را چراغانی می‌کردند. از دیگر تفریح‌های نوروزی این بود که مردم به یکدیگر آب‌های معطر می‌پاشیدند. آب‌پاشیدن هم از سنت‌های کهن نوروزی است که در دوره ساسانیان نیز رواج داشته است. شادی مردم در نوروز گاهی سراسر شهر را به آشوب می‌کشید، چراکه در معابر آتش می‌افروختند و به هر کسی آب می‌پاشیدند. به همین دلیل خلیفه معتضد در سال ۲۸۴ هجری قمری انجام بعضی از کارها را در نوروز ممنوع کرد، ولی در نهایت به دلیل رونق فرهنگ ایرانی و علاقه مردم باز برگزاری جشن نوروز را آزاد اعلام کرد.

مقریزی در «اخبار خلفای فاطمی» از جشن نوروز در قاهره سخن گفته است. شاید بشود احتمال داد که برپایی جشن نوروز در قاهره متأثر از رقابت فرهنگی خلافت فاطمی و خلافت بغداد بوده است. به هر صورت در قرن چهارم نوروز در قاهره، پایتخت خلفای فاطمی، نیز رونق گرفت و در طول خلافت فاطمیان ادامه یافت، هر چند گاهی خلیفه فاطمی مردم را از جشن گرفتن در نوروز منع می‌کرد. سنت‌های ایرانی مانند پوشیدن لباس نو، پاشیدن آب، افروختن آتش، آواز خواندن و موسیقی نواختن، هدیه‌دادن و شعر نوروزی خواندن در مصر هم رایج بود. همچنین در این روز بازارها را آذین می‌بستند



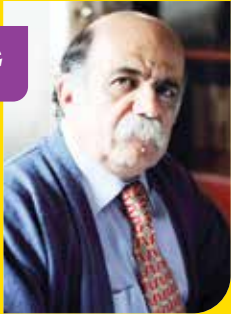
و مردم در بازارها به بازی و نشاط و نمایش مشغول می‌شدند. در قرن‌های بعدی هم هر کجا که زبان فارسی و فرهنگ ایرانی راه یافت، نوروز هم جشن گرفته می‌شد، از جمله در دوره حکومت گورکانیان بر هندوستان، به‌ویژه در دوره حکومت اکبر کبیر پسر همایون شاه، در قرن دهم نوروز با جلال و شکوهی شگفت‌انگیز برگزار می‌شد. هجده روز به صورت رسمی جشن گرفته می‌شد و همه جای دربار زینت داده می‌شد. علاوه بر دربار بازارهای شهر هم آذین بسته می‌شد و مردم از دور و اطراف به پایتخت می‌آمدند. شاه هر روز به سرابرده یکی از اشراف می‌رفت و اشراف علاوه بر تدارک غذاهای مجلل، باید هدایایی گرانبها نیز به شاه می‌دادند. عیش و طرب و انواع تفریحات در نوروز به وفور انجام می‌شد. جهانگیر شاه، پسر اکبر شاه، در نوروز به شکار ببر و آهو و دیگر حیوانات می‌رفت. در پایان جشن‌ها شاه به مردم فرودست و فقیر نیز اموالی می‌بخشید. در دوره شاه جهان، پسر جهانگیر، به علت علاقه او به همسر ایرانی‌اش یعنی ممتازمحل جشن نوروز شکوه بیشتری یافت. مقبره معروف تاج‌محل، مقبره‌ای بود که شاه جهان فرمان داد برای همسر محبوبش ممتازمحل بسازند.

در امپراتوری عثمانی در ترکیه نه تنها نوروز جشن گرفته می‌شد که نوروز در نظام حکومتی هم اهمیت زیادی داشت؛ چراکه بخشی از مالیات در نوروز گرفته می‌شد و لشکریان از سراسر ممالک در نوروز به پایتخت یعنی استانبول می‌آمدند و سپس به محل خدمت خود می‌شتافتند. جشن نوروز در دربار عثمانی آیین‌های خاصی داشت، از جمله اینکه حکیم‌باشی دربار در شب نوروز معجون نوروزیه را از درهم آمیختن گیاهان و مواد مختلف تهیه می‌کرد و شاه و بعضاً درباریان در روز نوروز برای تقویت جسمی آن را می‌نوشیدند. از آنجا که آغاز سال مالی عثمانیان نوروز بود، در این روز منجم‌باشی تقویم سال جدید را به شاه و درباریان تقدیم می‌کرد. همچنین امرا و درباریان پیشکش‌هایی به سلطان عثمانی هدیه می‌دادند و شاعران قصیده‌های «نوروزیه» را در حضور شاه می‌خواندند.

مجموع این نکات نشان می‌دهند که نوروز نه در تاریخ و نه اکنون منحصر به قومی خاص نبوده است و حتی امروزه از نوروز می‌توان برای نزدیک کردن اقوام و ملت‌های مختلف به یکدیگر بهره برد.

بزرگ‌ترین جشن ایرانیان

۴



■ میر جلال‌الدین کزازی
■ ادیب و شاهنامه‌پژوه
- ۱۳۲۷

یکی از بنیادی‌ترین و برجسته‌ترین هنجارها و ویژگی‌های فرهنگی ایران، جشن‌ها و آیین‌های شادمانی است. کمتر فرهنگی را در جهان می‌توان یافت که به اندازه فرهنگ ایرانی این آیین‌ها و جشن‌ها در آن کارکرد روایی داشته باشد. تنها جشنی که همچنان فراگیر و همگانی است و باشکوه بسیار در نزد ایرانیان برگزار می‌شود، نوروز است. گرمی داشت نوروز در سراسر تاریخ ایران، نشان از آن دارد که نوروز بزرگ‌ترین جشن ایرانیان است.

خروج انسان از خمودگی

۵



■ علی بلوکباشی
■ پژوهشگر فرهنگ‌عامه
- ۱۳۱۴

وابستگی انسان به طبیعت به سبب نقش و تأثیر طبیعت در زندگی اجتماعی و اقتصادی او است. هر یک از فصل‌های سال نقش و اثری خاص در شکل دادن فعالیت‌های مردم در جامعه دارد. نوروز ایرانیان که در آغاز فصل بهار جشن گرفته می‌شود، پیام‌آور نوشدگی سال و آمدن گرما و باززایی طبیعت و زمان خروج انسان از خمودگی و پیوستن به طبیعت و شروع دوباره حیات اجتماعی است.

اهمیت اقتصادی

۶



■ اسماعیل نوشاد
■ پژوهشگر فلسفه
- ۱۳۵۹

در گذشته بهار و تعیین وقت نوروز اهمیت ویژه‌ای برای زیربنای اقتصادی و سیاسی داشته و همچنین بهار به‌ها برای شاعران مهم بود. در حال حاضر چون چرخه اقتصاد به نحو دیگر تأمین می‌شود و تکنولوژی بین انسان و طبیعت فاصله انداخته، انسان فرصتی برای استفاده دیگر فصل‌ها نیز دارد. فلسفه توصیف بهار را در گرو شرایط زمانه و سرودن شعر توسط شاعران را در احوال دورنی آن‌ها است.